

انقلاب عرب به اسرائیل سرایت کرد - گام بعدی، اعتصاب عمومی!

قلمی شده توسط والتر لئون، برگرفته از تارنمای مارکسیست دات کام، هشتم اگست سال ۲۰۱۱، برگردان: و. خورمن

صحنه های باور نکردنی در تل ابیب.

به روز شنبه، هفتم اگست سال روان، بیشتر از سیصد هزار نفر در شهری که در حدود نیم میلیون باشنده دارد به خیابان ها ریختند. در همین روز تظاهرات دیگری با شرکت سی هزار تن در شهر اورشلیم سازماندهی شده بودند، همچنان هزاران تظاهر کننده دیگر در شهرهای مختلف کشور گردهم آمده بودند. تعداد دقیق تظاهرکننده گان را به مشکل میتوان تخمین زد، اما دست کم بین چارصد تا پنج صد هزار نفر در کشوری با نفوس ۷،۷ میلیون شهروند تجمع کرده بودند. در میان تقاضاهای آشکار تظاهر کننده ها در مورد «عدالت اجتماعی»، پرچمهای با شعار «تسلیم شوید، مصر اینجا رسیده» نیز به چشم میخوردند. دلچسب اینست که کلمه "تسلیم شوید" به زبان عربی نوشته شده بود.

اوضاع وخیم



صدها هزار تن در تل ابیب

نظرسنجی ها نشان میدهند که ۹۰ درصد اسرائیلی ها از این جنبش پشتیبانی میکنند. این آمار در کشور و در گروپ قومی از لحاظ اجتماعی پارچه پارچه شده یی مانند اسرائیل شگفت انگیز به نظر میرسد. با این حال، بحران شدید سرمایه داری اسرائیل اوضاع خطرناکی را در سراسر هیئت رهبری این کشور ایجاد کرده است.

روتم ایهود دانش آموز و بارمین میگوید: «درین کشور زنده گی کردن ساده نیست، ما خدمت نظامی اجرا میکنیم، کار میکنیم و مالیه میپردازیم، با آنهم تا اخیر ماه حقوقی که دریافت میکنیم مصارف ما را کفایت نمیکند.» مادرکلانش، بیٹی اپل، برسم تائید اضافه میکند: «این راست است که ما رقم بزرگ بیکاری نداریم، اما حقوق ماهوار آنقدر ناچیز است که ما خیلی سخت کار میکنیم و با آنهم تا اخیر ماه نمیرسیم.»

تارنمای تجارتی فوربس چنین اشاره میکند: «در حالیکه معلمین و کارمندان امور اجتماعی کمتر از ۲۰۰۰ دالر در ماه حقوق میگیرند، نورم متوسط معاشات در اسرائیل در حدود ۲۵۰۰ دالر در ماه است. کرایه ماهوار یک باب اپارتمان معمولی سه اتاقه در مرکز شهر اورشلیم در حدود ۱۵۰۰ دالر و در شهر تل ابیب از آن هم بیشتر است.»

«یک اپارتمان ستاندارد یکصد متر مربع در یک کارته معمولی مردم متوسط الحال در مرکز شهر اورشلیم و یا تل ابیب به راحتی از ۶۰۰۰۰۰ دالر تجاوز میکند و در نواحی غریب تر، بین ۲۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ دالر بالغ میگردد.»

با ۲۰ درصد از جمعیتی که در زیر خط فقر زنده گی دارند و کاهش درآمد متقاعدین در سطح پالیدن زباله دانی ها برای دریافت غذا، رویای «میهن یهودی» به یک کابوس برای یهودیان فقیر و طبقه کارگر مبدل گشته است.

رشد رادیکالیزم

با الهام از جنبشهای انقلابی در مصر، یونان و دیگر کشورها، میانه رو ها فراخوانده شدند تا همه چیز را در یک مسیر «بیخطر» قرار دهند. رییس اتحادیه ملی محصلین آقای ایتسیک شمولی خطاب به تظاهر کننده ها گفت: «ما تغییرات در ائتلاف موجود را نمیخواهیم، بلکه خواستار سیاست اقتصادی انسانی یی هستیم که مردم را به نابودی نکشاند، رنجهای مردم را متوجه شود و بازی با ارقام را کنار بگذارد.»



پلاکارد تظاهر کننده ها در تل ابیب: طبقه کارگر

اما جمعیت مظاهره کننده ها رادیکال تر بود. بیشترین شعارها چنین بودند: «برتری مردم بر سود بیشتر»، «عدالت اجتماعی برای توده ها»، «کارگران قهرمان ها اند» و «درمان خصوصی سازی، انقلاب است». پلاکارد عظیمی همچنان با کلمات «طبقه کارگر»، که همان پوستر مشهور اردوی سرخ شوروی در حال جلب و احظار را بیاد میآورد، بچشم میخورد. در اورشلیم، که به مثابه مرکز ارتجاع و افراط گرایی مذهبی تلقی میگردد، تظاهر کننده ها پرچمهای سرخ را حمل میکردند. با وجود تمایل مطبوعات اسرائیلی که از «تظاهرات طبقه متوسط» حرف میزد، در آنجا به طور آشکار ارتقای شعور طبقاتی زحمتکشان و طبقه کارگر احساس میشد.

برنامه جنبش

با تحولات انقلابی در اروپا و جهان عرب یک ویژه گی مشترکی در خصوص اتحاد تمام طبقات در مبارزه برضد رژیمهای به ملاحظه میرسد که بیشتر ازین قابلیت ارضای تقاضاهای هیچ بخشی از جامعه را ندارند. مشترکا با دیگر تظاهر کننده هاعمدتاً سازمان دهی این حرکت از طریق فیس بوک و شفاهی صورت گرفته بود. با وجود نبود سازماندهنده مشخصی، این حرکت در اطراف تقاضاهای مشخص ذیل برآه انداخته شده بود:

- برنامه ساختمانی مسکن دولتی
- تدوین قانون کنترل و حمایت از حقوق تقاعد
- کاهش مالیات غیر مستقیم مانند مالیات بر ازدیاد قیمت‌ها
- توقف جریان خصوصی سازی تا سرحد تغییر قانون درین مورد
- ازدیاد حقوق ابتدایی تا ۵۰ درصد معاشات کنونی
- بسط تحصیل رایگان تا حدی که دربرگیرنده خدمات کودک نیز باشد
- ارتقای خدمات صحی، افزایش تعداد دکتورها، پرسونل خدمات صحی، تعداد بستر و تجهیزات
طبی

این تقاضاها از جانب اتحادیهٔ محصلین، که در رأس این جنبش قرار گرفت، ارایه گردیده بودند. به هر ترتیب چیزی که درینجا کمبود است عبارت از نبود توضیح مشخص در مورد راه‌های رسیدن به این اهداف است. سرمایه داری اسرائیلی، نظامی که اقلیت انگشت شماری را به ثروت میرساند و اکثریت عظیم اسرائیلی‌ها را دست به دهان نگه‌میدارد و اشغال متداوم ساحات فلسطین را با قساوت بینظیری عملی مینماید، راه بیرون رفتی ازین بن بست را نمیتواند پیشکش کند. جنبش عدالت اجتماعی یک چالش مستقیم برای مقامات دولتی و در مجموع برای سرمایه داریست.

این تقاضاهای مشخص بایست با سوال متداول نظام سرمایه داری پیوند داده شود که: پول برآورده ساختن این درخواستها از کجا باید تأمین گردد؟ یگانه جواب: از طریق ملی ساختن بانکها و انحصارات بزرگ تحت کنترل دموکراتیک کارگران، بشکلی که ثروت کشور در جایی مورد بهره برداری قرار گیرد که مشکلات اکثریت را حل نماید.



مصر درینجاست

عده ای کثیری از مظاهره کننده های خیابانی به این نتیجه رسیده بودند که حکومت نتنیا هو باید کنار رود. ما موافقیم، اما تنها مظاهره، ولو هر قدر بزرگ هم باشد کافی نیست تا دولت را واژگون کند. با مشاهده تجارب انقلاب عرب، چیزی که ضروریست، مداخله تعیین کننده طبقه کارگر سازمان یافته است. اعتصاب کارگران بناروالی (شهرداری) در هفته گذشته اولین قدم بحساب می رود. اکنون هیستادروت (اتحادیه سراسری کارگران اسرائیل که در سال ۱۹۲۰، یعنی سی سال قبل از ایجاد دولت اسرائیل توسط داوید بن گوریون در شهر حیفه پایه گذاری گردید. م.) باید اعتصاب عمومی را اعلان نماید.

در عین زمان این جنبش اگر می خواهد استوار بماند باید خود را بهتر سازمان دهد. در تمام نواحی و محلات کار باید کمیته های تدارکاتی ایجاد گردند و از طریق نماینده های انتخابی از سطح نواحی و سطح ملی ارتباط آنها باهم باید تأمین گردد.

جنبش تقاضای برکناری نتنیا هو را بمثابة راه بیرون رفت به جلو مطرح کرده بود اما در صورت سقوط حکومت نتنیا هو کی جایش را پر خواهد کرد؟ حزب «میانه رو» قدیمه فرصت طلبانه به تظاهرات پیوست تا ائتلاف برسر اقتدار لیکود را مورد حمله قرار دهد، اما با وجود موضعگیری انتقادی خویش برضد «نیولیبرالیزم»، راه حلی را ارایه نتوانست. حزب کار بعد از بحران

سال ۱۹۷۰، که در اثر آن مناسبات حسنه میان این جنبش و دولت برهم خورد، به محدودیت گرایید. جدا از دولت اسرائیل که انحصار کاریابی برای کارگران اتحادیوی یهود را ضمانت میکرد، حزب کار بجز دنبال کردن سیاست دست راستی بازار آزاد راه دیگری نداشت. از همین بابت در دهسال گذشته حکومت های دست راستی متعددی یکی پی دیگری رویکار آمدند.

حزب کمونیست اسرائیل یگانه نیروی سیاسی درین کشور بود که بطور متداوم در مقابل حملات بر مواضع کارگران و زحمتکشان اسرائیلی و برضد اشغال فلسطین ایستاده گی میکرد. حزب کوچکی که همواره رشد میکرد، نیرویش را، که در انتخابات شهری سال ۲۰۰۶ در تل ابیب به نمایش گذاشته شد، از میان جوانان میگرفت و حمایت آنها را با خود داشت. البته انتقاد کردن جناح راست چیزی است و ارایه راه حل عملی و همه جانبه چیز دیگری. حزب کمونیست برنامه روشنی برای تغییر جامعه در دست ندارد.

حزب کمونیست باید برنامه سوسیالیستی آتی را به طور واضح اریه مینمود:

ن پایان دادن به جریان خصوصی سازی! بانکها و انحصارات بزرگ باید تحت نظر و کنترل کارگرانی که در آن کار میکنند ملی اعلان شوند و سود حاصله از آنها به نفع توسعه پروژه مساکن دولتی، تحصیلات و صحت عامه بکار گرفته شود!

ن ختم تمام انواع تبعیض نژادی برضد عرب تبارهای اسرائیل! دسترسی یکسان و برابر به مساکن دولتی، تحصیلات و کار!

ن ختم اشغال فلسطین! اتحاد یهودی ها، فلسطینی ها و کارگران عرب بر ضد نظام سرمایه داری پی که همه ما را به فقر میکشانند!

ن استقرار یک فدراسیون سوسیالیستی در شرق میانه و احترام کامل به حقوق تمام ملیتها!



پلاکارت چه گوارا

چنین برنامه‌ی از حمایت وسیع توده‌ها برخوردار خواهد شد و راه طولانی به جلو را که با برآورده ساختن نیازهای همه مردم در منطقه مطابقت داشته باشد خواهد پیمود. این جنبش در اسرائیل باید به مناطق توده‌های منکوب شده فلسطین برده شود. عرب تبارهای اسرائیل درین جنبش شرکت خواهند جست، اما اگر این خیزش در نوار غزه و سواحل غربی از جانب کارگران و زحمتکشان اسرائیل حمایت شود، برای سرمایه داری در منطقه بن بست جدی خواهد بود.

بعضی از حمایت کننده‌های داعیه فلسطین این حرکت‌ها را به نام «قیام بدبینانه نخبه‌ها» انتقاد کردند یعنی در حالی که خود ستمگر اند «سعی میکنند تا خودها را در لباس ستمکش‌ها جاه زنند» و دلیل می‌آورند که اینها از جانب انقلاب عرب نباید در مقیاس وسیع پشتیبانی گردند. این دیدگاه هیچ نوع وجه مشترکی با مارکسیزم انقلابی ندارد و داعیه فلسطینی‌ها را حتا یک گام هم به جلو نمیراند.

جامعه اسرائیل یک جامعه طبقاتی است، اما طبقه‌ی حاکم صهیونیست در مقیاس وسیعی یهودیهای اسرائیل را بر محور شعار «همه با هم، برضد تهدید تروریسم» گرد آورده است. اسلما این یگانه عاملیست که طبقه حاکم اسرائیلی را نیرومند میسازد. این جنبش که خلق اسرائیل را به طبقات تقسیم مینماید، راه درازی در تضعیف طبقه حاکم صهیونیستی را در پیشرو دارد. این فقط میتواند از نقطه نظر مبارزه توده‌های مردم فلسطین برضد ظلم و ستم مثبت واقع شود.

به شکلی که این جنبش انکشاف مینماید، اعضای آن بطور اجتناب ناپذیری مبارزه خویش را با مبارزه ملی مردم فلسطین برضد ظلم و ستم پیوند خواهند داد. این پدیده آغاز یافته است. بعضی ها میپرسند، دولتی که سالانه میلیون ها را مصرف ساختمان شهرک ها میکند، چرا برای مسکن دولتی پول ندارد. وقتی پولیس دست به گرفتاری فعالین جنبش زد که طی هفته های اخیر سرکها را با تظاهرات وسیع مسدود کرده بودند، مردم فریاد سر دادند: «دولت پولیسی، دولت پولیسی». خیلی ها اکنون با حقیقتی از خواب غفلت بیدار میشوند که دولتی که قرار بود «امنیت» آنها را در مقابل «تهدید تروریستی» که از جانب «عربها» اعمال میشود تضمین کند، در حقیقت مدافع منافع طبقه حاکم برضد اکثریت جامعه است.



شعاری در تظاهرات تل ابیب

شعارهای «مبارک، اسد، بی بی نتنیا هو» گویای این حقیقت بودند که جنبش عدالت اجتماعی اسرائیل، خود را با توده های جهان عرب که دیکتاتورهای خویش را بدور افکنده بودند شناسایی میکرد. شعارهای ترتیب شده به زبان عربی در تل ابیب «مصر اینجاست»، شعار دیگر «مانند یک مصری قدم بردار» چیزهای بودند که در یک ماه قبل ازین درین شهرها اصلا قابل تصور نبودند. شعار اصلی جنبش: «مردم عدالت اجتماعی میخواهند» که به زبان عبری «الشعب یورید تسدک خیوراتی» فریاد زده میشد و نیمه اول آن به زبان عربی بود، از شعار مشهور: «مردم میخواهند رژیم را خلع کنند» انقلاب عرب کپی شده بود.

این جنبش، که در ۶۰ سال موجودیت دولت اسرائیل بیسابقه بود، خیلی ازین فراتر رفت. ادامه آن این جنبش را تنها در استقامت ضد سرمایه داری و انقلابی میتواند سوق نماید. چیزی که اکنون لازم است، ایجاد یک رهبریست که در رأس وظایف قرار گیرد و مطالبات جنبش را با شرایط عینی تلفیق دهد. حتا یک گروه کاری کوچک مارکسیستی در چنین شرایط اگر مسلکی و با اراده عمیق توده پی فعالیت نماید، تاثیر عظیمی بجا خواهد گذاشت.

جمعه، ۲ سپتامبر ۲۰۱۱

www.esalat.org